



# مکتب روحانی مشاوره مسیحی

بیش از رستگاری

## A Theology of Christian Counseling

More than Redemption

نویسنده: جی آدامز  
مترجم: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی

## پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

## فصل های کتاب

|                     |                                                 |
|---------------------|-------------------------------------------------|
| فصل اول:            | نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی                |
| فصل دوم:            | مکتب روحانی و مشاوره                            |
| فصل سوم:            | اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص           |
| فصل چهارم:          | اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان       |
| فصل پنجم:           | اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی               |
| فصل ششم (بخش ۱):    | اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا                   |
| فصل ششم (بخش ۲):    | اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا                   |
| فصل هفتم:           | اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث             |
| فصل هشتم (بخش ۱):   | اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان         |
| فصل هشتم (بخش ۲):   | اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان         |
| فصل نهم:            | اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان          |
| فصل دهم:            | اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت                |
| فصل یازدهم:         | اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد |
| فصل دوازدهم:        | اصول رستگاری - بیش از رستگاری                   |
| فصل سیزدهم (بخش ۱): | اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی              |
| فصل سیزدهم (بخش ۲): | اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی              |
| فصل چهاردهم:        | اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو          |
| فصل پانزدهم:        | اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس    |
| فصل شانزدهم:        | اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی          |
| فصل هفدهم:          | اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت           |
| فصل هجدهم:          | اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج               |
| فصل نوزدهم:         | اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا               |
| فصل بیستم:          | اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید             |
| فصل بیست و یکم:     | اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا        |
| فصل بیست و دوم:     | اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم          |
| فصل بیست و سوم:     | اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن     |
| فصل بیست و چهارم:   | اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت               |
| فصل بیست و پنجم:    | خلاصه مطالب                                     |

## فصل بیست و یکم

### اصول کلیسا (ادامه)

### مشاوره و انضباط کلیسا

چون انضباط کلیسا اهمیت زیادی در مشاوره مسیحی دارد، لازم دانسته ام راجع به این موضوع (که برای کلیساهای بسیاری کاملاً نو می باشد) این فصل را به آن اختصاص بدهم. انضباط کلیسا نه تنها مصونیت اعضا را حفظ می کند، بلکه از طریق خادمین و اعضا کلیسا کمک می کند تا گناه کار را به جانب توبه آورد. عیسی مسیح این حق را به گناه کار داد؛ ما حق نداریم آن را به او ندهیم. بسیاری از مسیحیان فکر می کنند آنچه برای حل مسئله (گناه کار) امکان دارد را انجام داده اند، در صورتی که آنچه عیسی مسیح گفته را حتی آغاز نکرده اند. مشاوران باید راجع به انضباط کلیسا با متقاضیان صحبت کنند.

وقتی صحبت از انضباط کلیسا می کنید، تعجب می کنند. حتی ممکن است باور نکنند.

”صبر کنید ببینم. من و شوهرم تا به حال مسئله بزرگی داشته ایم، و من همه کار برای رفع مشکل کرده ام، همه کار! کار دیگری نمانده انجام دهم. من حتی راجع به آن با دوست مسیحیم (یا کشیش) صحبت کردم و پرسیدم دیگر چکار می توانم بکنم. فکر کرد و گفت من هر چه ممکن است انجام دادم.“

در جواب من می گویم،

”اگر شما مسیحی می باشید، اگر شوهر شما مسیحی می باشد، راه حل مسئله همیشه هست. درمان درد در دسترس شما است. شما هیچگاه از امکانات حل مسئله کم نخواهید داشت.“

حل مسئله در عرفان یا تصورات شخصی نیست. چیزی نیست که بگوئیم، ”من همه چیز را دست خدا می گذارم و امیدوارم به خوبی انجام بگیرد. به هر حال، همه چیز برای خیریت کسانی که خدا را دوست دارند، انجام می گیرد.“ البته این آیه بسیار عالی می باشد و آسایش را به مسیحیان می دهد. زمانی نیز هست که ما مسیحیان می توانیم بگوئیم، ”برای حل این مسئله کار دیگری نیست که بتوان انجام داد.“ اما، این حرف را نمی توان نسبت به مسئله ای که میان دو ایماندار هست، به زبان آورد،

### رومیان ۱۲

۱۸: اگر امکان دارد،

تا آنجا که به شما مربوط می شود،

با همه در صلح و صفا زندگی کنید.

تنها زمانی که می توان این را گفت، که مسئله میان یک مسیحی و بی ایمان است.

متی ۱۸: ۱۵، ۱۶، ۱۷ به ما نشان می دهد چگونه مسائلی که بنظر حلشان غیر ممکن است، حل شوند. این جانبی است که نادیده گرفته شده، با وجود آنکه قسمت مهمی از کلام خدا را بازگو می کند. مربوط به انضباط کلیسا است.

”گفتید انضباط کلیسا؟!“

بله، انضباط کلیسا.  
”شوخی می کنید! انضباط کلیسا مربوط به کسانی است که از کلیسا اخراج می شوند“.

این برداشتی است که اکثر مردم دارند. اگر شما نیز معنی انضباط کلیسا را اینگونه برداشت می کنید، یا برداشت کلیسای شما اینگونه می باشد، لازم است تغییری جدی در هر دو مورد انجام بگیرد. منظور انضباط کلیسا بیرون کردن کسی نیست. در هر مرحله از انجام کار، حذف ایجاد صلح و آشتی است. حال قدری عمیق تر به آیات مورد نظر بنگرید،

#### متی ۱۸

۱۵: «اگر برادرت به تو گناه ورزد،

نزدش برو

و میان خودت و او خطایش را به او گوشزد کن.  
اگر پذیرفت، برادرت را باز یافته ای؛

۱۶: اما اگر نپذیرفت،

یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر

تا ”هر سخنی با گواهی دو یا سه شاهد ثابت شود“.

۱۷: اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد،

به کلیسا بگو؛

و اگر کلیسا را نیز نپذیرفت،

آنگاه او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن.

البته بعضی مسیحیان تا این اندازه پیشرفت کرده اند، اما تعداد معدودی. بسیاری از مسائل و مشکلاتی که ما با دیگران داریم (و به ماه ها و حتی سال ها درازا می کشد)، به خاطر این است که حتی قدم اول را بر نداشته ایم. او حتی نمی داند برخوردی با ما کرده است. در نتیجه هیچ آشتی صورت نمی گیرد. ما در جای خود ایستاده ایم و منتظر آنکه خلاف کار نزد ما بیاید، ولی او نمی داند مسئله ای رخ داده. متقاضی که به او گناه شده باید پیش آنکه گناه کرده برود و موضوع را با او در میان بگذارد (آیه ۱۵). اما، ”خطایش را به او گوشزد کن“ نمی گوید این کار را با روحیه خشم آلود انجام بده. منظور آیه این نیست که برو، و دل پُرت را پیش او خالی کن. ابتدا به متقاضی می گوئید، ”نزدش برو“. این قدم اول می باشد.

و دلیل آنکه می گوید ”نزدش برو“ را در قسمت آخر آیه می بینیم. می گوید برو تا گناه کار به گناهش اعتراف کند (یا اگر سوتفاهم بوده آن را رفع کند). او می خواهد گناه کار بشنود چه می خواهد بگوید تا هر دو بتوانند آشتی کنند. می گوید، ”اگر پذیرفت، برادرت را باز یافته ای“. این چیزی است که مشاور می خواهد، نه آنکه کسی را اخراج کند. نتیجتاً، اولین قدم انضباط کلیسا تماس غیر رسمی طرفین متخاصم می باشد. این اقدام تنها یک حذف و منظور را دارد: ”اگر پذیرفت، برادرت را باز یافته ای“.

ممکن است متقاضی پرسد، ”ولی من باید مطیع شوهرم باشم. چطور می توانم او را سرزنش کنم؟“ همانطور که گفته شد؛ راجع به مسئله پیش آمده با او صحبت کنید با حذف به آنکه می خواهید صلح دوباره برقرار شود. سرزنش و مطیع بودن دو موضوع کاملاً مختلفی هستند. تابع بودن نه تنها مربوط به چه کاری است که می کنید، بلکه چگونه آنرا نیز می کنید. اگر با روحیه فروتن با او صحبت کنید، سرزنش جایز خواهد بود. در غیر این صورت هر صحبتی خلاف حذف ایجاد آشتی

خواهد بود. بیاد داشته باشید، ناتان نبی داوود را سرزنش کرد. قدرتی که از خدا صادر می شود محدود به کلام خدا است.

نتیجتاً متقاضی شما باید با فروتنی نزد دیگری برود. قبلاً باید اطمینان داشته باشد که می خواهد صلح و آشتی برقرار شود. اگر با روحیه فروتن با طرف مقابل خود روبرو شود، می تواند راجع به هر مسئله ای که باشد صحبت کند.

بطوری که گفتیم، منظور از انضباط کلیسا این نیست که کسی را از کلیسا خارج کنیم، اما بعضی مواقع چنین واقع می شود. ولی این حذف آن نیست. حذف بازگرداندن گناه کار به خداست.

عیسی مسیح می گوید هر وقت ایماندار دیگری به شما گناه کرد پیش او بروید. نمی گوید صبر کن او بیاید پیش شما. هر چند اگر متوجه گناهش بوده باشد، او نیز واجب است بیاید. اما عیسی مسیح می گوید آنکه به او گناه شده باید قدم بردارد. اوست که مسئله را می داند و درد را می کشد. نتیجتاً می توان گفت مجبور است برود.

ممکن است متقاضی بگوید، ”این بنظر من درست نیست. متخلف باید بیاید“. البته او باید بیاید، ولی فرض کنیم او نمی داند مرتکب خلاف شده است. اگر چنین باشد پس مسئله حل نخواهد شد، و در این نتیجه است که اعضای کلیسا هفته ها و حتی سال ها رنج و تلخی را نسبت به یکدیگر در خود نگاه می دارند، چون همین قدم اولیه را بر نداشته اند (و می بینیم که خود مرتکب گناه نیز می شوند). کلام خدا می گوید، ”اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و میان خودت و او خطایش را به او گوشزد کن“. همچنین بیاد داشته باشید که این کار را هر چه زودتر لازم است (”میان خودت و او“) انجام رساند،

#### افسیان ۴

۲۶: خشمگین باشید،

اما گناه مکنید، مگذارید

روزتان در خشم به سر رسد،

۲۷: و ابلیس را مجال ندهید.

اما ممکن است آنکه گناه کرده به حرف های شما گوش ندهد. یا شاید خشمگینتر نیز بشود. فرض کنید بگوید، ”بین، من دیگر تحمل شما را ندارم. شما پنج یا شش بار آمده اید اینجا و من گفتم هیچ کاری نخواهم کرد. کافی است. من دیگر نمی خواهم شما را ببینم“. آنوقت چه خواهید کرد؟ ابتدا سعی کنید متقاضی از همه امکانات قدم اولیه استفاده کرده باشد. اما وقتی مجرم گفت، ”دیگر اینجا نیا“، به آیه ۱۶ رجوع کنید: ”اما اگر نپذیرفت، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا هر سخنی با گواهی دو یا سه شاهد ثابت شود“.

حال متقاضی دو نفر (میانجی) را با خود می برد. این دو میان دو متخاصم قرار می گیرند و نقش مشاور را خواهند داشت، و هر چه در توانشان هست را بکار خواهند برد تا صلح و آشتی میان آن دو ایجاد گردد.

به عبارت دیگر، مسیح می گوید، ”اگر موفق نشدی دلسرد نشو. برو کشیش یا شیخ کلیسا را با خود ببر. سه یا چهار نفر با هم بنشینید و راجع به موضوع حرف بزنید“. این قدم دوم است.

معمولاً اگر قدم اول بگونه صحیح انجام گرفته باشد، نیازی به قدم دوم نخواهد بود. اما در لحاظ تعداد معدودی، لازم خواهد شد این قدم نیز برداشته شود. امکان دیگری نیست. ممکن است بگوید، ”او به این افراد نیز گوش نخواهد داد“، یا ”او در نتیجه خشمگینتر خواهد شد“. نگذارید جوانب روحانی قضیه نادیده گرفته شود. او نمی داند خدا چگونه کار خواهد کرد. همه چیز در دست متخاصم

نیست. وقتی اینگونه قضاوت می کند، امکان کار روح القدس را کم می کند. مسئله هر چه باشد، زیربنای روحی دارد، و تا قدم برداشته نشود، روح القدس زمینه کار را نخواهد داشت. عیسی مسیح خود گفت،

متی ۱۸

۲۰: زیرا جائی که دو یا سه نفر به نام من جمع می شوند،  
من آنجا در میان ایشان حاضرم.

منظور این نیست که جمع شویم و جلسات دعا تشکیل دهیم. او صحبت از انضباط کلیسا می کند. مشاور می تواند بگوید،

”مسائل میان فردی اگر هر چه زودتر از میان برداشته نشوند، با مرور زمان تبدیل و غیظ و کینه می گردند و مسئله بزرگتر و رابطه وخیمتر خواهد شد (در زندگی زناشویی، خانواده و رابطه با اعضا دیگر). بمن نگوئید اگر دوباره بروید مسئله بد تر خواهد شد. از کجا می دانید؟ و حتی اگر مسئله حقیقتاً بدتر شود، شما باید آنچه مسیح گفته را انجام دهید. آنگاه حد عقل شما وظیفه خود را انجام داده اید“.

”اما گر به این افراد نیز گوش نکرد چه؟ فرض کنید چهار یا پنج بار پیش او می روند و بالاخره می گوید، ”ببینید، من دیگر تحمل را از دست داده ام. از اینجا بروید بیرون و دیگر بر نگردید“.

عیسی مسیح قدم سوم را در آیه ۱۷ نشان می دهد؛ ”اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، به کلیسا بگو؛ و اگر کلیسا را نیز نپذیرفت، آنگاه او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن“.

حال ببینیم چه معنایی دارد. می گوید به کلیسا بگو، یعنی به کشیش و مشایخ کلیسا بگو تا در نام عیسی مسیح به او هشدار دهند که دست از ستیزگری بردارد و اگر نه ممکن است به اخراج او نتیجه یابد.

اگر نهایتاً از کلیسا نیز روی گردان شد، آنوقت او اخراج می گردد و از اعضای کلیسا خواسته خواهد شد او را طرد کنند، نه به خاطر گناهی که کرده، بلکه بخاطر تکبری که در مقابل کلیسای عیسی مسیح از خود نشان داده. اما با این حال، منظور این نیست که از دستش خلاص بشیم. حتی قطع رابطه نیز ممکن است باعث برگشت او به خانواده گردد.

دوم قرن تیان ۲

۶: تنبیهی که از سوی بیشتر شما بر او اعمال شده،  
کافی است.

۷: اکنون دیگر باید او را ببخشید

و دلداری (۱) دهید،

مبادا اندوه بیش از حد،

وی را از پا در آورد.

۸: بنا بر این، از شما استدعا دارم

او را از محبت خود مطمئن سازید (۲).

پولس می گوید، ”کافی است“. حال زمان ابراز محبت است. همان گونه که پس از اخراج، رابطه از جانب همه قطع می شود، پس از برگشت، محبت همه باید به او ابراز گردد. به این ترتیب، عیسی مسیح فرایندی را برای حل مشکل میان فردی فراهم ساخته است. اگر تا بحال از آن استفاده نکرده اید، امروز شروع کنید. اصولی که کلام خدا فراهم ساخته را بکار ببرید. مشاوری شما بستگی به آن خواهد داشت.

”خوب اگر اینطور است، او که اخراج شده به کلیسای دیگری خواهد رفت“. بله این مسئله دیگری است که کلیسا های همجوار، نا خواسته پایه و اساس اقدام کلیسا را تضعیف می کنند. به این دلیل لازم خواهد بود با کلیسا های دیگری که در محل هست تماس گرفت، و موضوع را با آنها در میان گذاشت. کلیسای دیگری که به آن ملحق شده نیز باید در این رابطه با او صحبت کند و سعی کند او را به توبه کشانده و اگر خواست، به گله خود برگردد. تنها در چنین صورتی است که انضباط کلیسا موفق می شود.

”ولی شما مردم را دارید قضاوت می کنید؛ من فکر می کردم این کار درستی نیست! آدم حق دارد آنجوری که می خواهد باشد“.

جواب این سؤال، هم بله است و هم خیر. این حق را شما از دنیا یافته اید، ولی خدا به ما می گوید این راه شما را به جهنم سوق می دهد. ”ما آنگونه که عیسی مسیح به ما آموخته قضاوت می کنیم، البته نه بگونه ای که او ممنوع کرده. قضاوت کسی که از کلیسا بیرون شده (پس از دوره انضباط)، و رابطه با او قطع شده (”آنگاه او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن“) کار درستی می باشد. این کاری است که عیسی مسیح به ما آموخت. ما آنچه در دل اوست را قضاوت نمی کنیم؛ انسان تنها می تواند ظاهر را ببیند تنها خدا است که توانای دیدن دل انسان را دارد. آنکه کلیسا را مال عیسی مسیح نمی پذیرد جایش در کلیسا نیست. اعضای کلیسا را نباید در معرض روح نافرمان قرار داد.

اما یک هشدار. کشیش و دیگر افرادی که برای رسیدگی به این موضوع دست بکار می شوند، لازم است حد اکثر احتیاط را بخرج دهند تا صلاحیت هر چه می شنوند (معترضین و اعتراضشان)، مطابق با کلام خدا ارزیابی گردد. موضوع باید روشن گشته باشد تا راه حلش بدست آید. شایعات، غیبت، شواهد ثانوی، تصمیم عجولانه، صلاحیت ندارند. شهادت (در صورتی که بتواند در اثبات اتهام نقشی داشته باشد) را می توان وارد نمود، اما اگر بخواهیم آن را قبول نیز بداریم، باید حد عقل دو شاهد به آن نیز وجود داشته باشد.

اما نباید فراموش کنیم که در نهایت محبت است که صلح و صفا را ایجاد می کند،

### اول قرننیا ۱۳

۷: محبت با

همه چیز مدارا می کند،

همواره اعتماد دارد،

همیشه امیدوار است

و در همه حال پایداری می کند.

## فهرست زیر نویس های فصل بیست و یکم

- (۱) این کلمه اصطلاح حقوقی است. منظور، جایگزینی دوباره به عضویت در کلیسا. کلمه یونانی **parakalo** که به فارسی ”دلداری“ ترجمه شده معنی تشویق، آسایش، نزدیک را نیز دارد.
- (۲) هر که از این پس راجع به موضوع صحبت کند خود مرتکب گناه می شود.